

در آمد

تاریخ بشر شاهد جنگ‌های فراوانی بوده و از این‌رو جلوگیری از وقوع جنگ و تلاش برای برقراری صلح از آغاز تاریخ زندگی جمعی بشر دغدغه اندیشمندان اجتماعی است. در قرآن به‌ماجرای هابیل و قابیل و گرایش قابیل به ستیزه‌جویی و قتل برادر و تلاش هابیل برای سازش و مصالحه اشاره شده و در کتاب مقدس نیز مردم به صلح یا یکدیگر و با همه مردم در صورت توان دعوت شده‌اند؛ چنان‌که از حضرت موسی(ع) خواسته شده که پس از آغاز جنگ با دشمنان، آنان را به صلح فرا بخواند و از داود(ع) خواسته که صلح‌طلب باشد و برای تحقق آن بکوشد و درمجموع از صلح‌طلبان ستایش شده‌است. از سوی دیگر، قواعدی که یونانی‌ها برای اعمال محدودیت در جنگ و به‌کارستن روش‌های سیاسی برای پایان بخشیدن به آن وضع کرده‌اند، از قدیمی‌ترین متون در این زمینه است. دو امپراتوری بزرگ ایران و روم پیش از اسلام شاهد جنگ‌های طولانی بوده‌اند، در زمان انوشیروان پادشاه ساسانی پس از بیست سال جنگ و تلفات سنگین از دو طرف، پیمان صلح امضا شد؛ البته مدت‌ها پیش از آن نیز «پیمان صلح جاوید» میان ایران و روم به امضا رسیده بود که پایدار نمانده بود. حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه بارها از جنگ و صلح میان ایران و توران سخن گفته و صلح را وسیله ارتباط میان مردم و حاکمان دانسته و از آن ستایش کرده‌است. همچنین پیش از اسلام جنگ‌های طولانی فراوانی در میان عرب‌های جاهلی وجود داشته‌است و آنان به پیروی از حضرت ابراهیم(ع) تنها در ماه‌های حرام (رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم) از جنگ خودداری می‌کردند؛ همچنین تیره‌های اوس و خزرج از قبایل مدینه سال‌ها شاهد جنگ‌ها و کشمکش‌های طولانی و نیز آشتی‌های پیاپی بوده‌اند که با آمدن اسلام درگیری‌های آنان پایان یافت و صلحی پایدار میانشان برقرار گردید. اسلام آیین صلح و صفاست و مسلمانان را به برادری و برقراری صلح دستور داده‌است. در قرآن خانه خدا و مکه محل امن معرفی شده است که در آنجا همه مردم احساس آرامش می‌کنند. پیامبر اکرم (ص) پیمان معروف صلح حدیبیه را با مشرکان امضا کرد و امام‌حسن مجتبی‌(ع) نیز برای مصالح اسلام و مسلمانان با معاویه صلح کرد.

در ایران در قرن‌های گذشته برای پایان‌دادن به مخاصمات، پیمان‌های متعددی مانند معاهده‌های «آماسیه» در سال ۱۵۵۵م/ ۹۳۴ش میان شاه‌طهماسب و سلطان‌سلیمان قانونی و معاهده «زهاب» میان شاه‌صفی و سلطان‌مراد چهارم با دولت عثمانی در دوره صفویه و پیمان‌های معروف «گلستان» در ۱۶۹۲ش/ ۱۸۱۳م و «ترکمن‌چای» در سال ۱۲۰۶ش/ ۱۸۲۸م با روسیه تزاری در دوره قاجار و نیز پیمان «الجزیره» در سال ۱۲۵۳ میان ایران و عراق منعقد شده که برخی به زبان ایران بوده‌است.

صلح و جنگ در اسلام

تلاش برای برقراری صلح عادلانه جهانی از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران (ع) پس از توحید و پرستش خدا بوده‌است و صلح در میان امت مسلمان نظر به اصولی و اساسی اسلام است. قرآن صلح را «خیر» و امری پسندیده شمرده‌است و ضمن تأکید بر آمادگی دفاعی، به پیامبر (ص) دستور داده‌است که اگر دشمنان به آشتی تن دهند، از صلح و آشتی استقبال کند. در سال هفتم هجری پیامبر اکرم(ص) با شرایط ویژه‌ای با مشرکان قریش در منطقه حدیبیه در نزدیکی مکه صلح کرد. همچنین امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر کارگزار خود در مصر سفارش کرد که پیشنهاد صلح دشمنان را که مورد پسند خداوند است، رد نکند.

امام خمینی سازش میان جامعه ایمانی را از امور بارزش و از ویژگی‌های اهل آخرت شمرده و از مردم خواسته‌است که اختلافات شخصی، عشیره‌ای و ملکی خود را کنار بگذارند و در رفع اختلاف بکوشند و میان دو طرف درگیری، آشتی برقرار کنند. ایشان در موردی به فرزند خود سیداحمد خمینی هم سفارش کرد که میان دو نفر از دوستان آشتی برقرار کند. ایشان در ضرورت اصلاح میان دو گروه از مسلمانان متخاصم به آیه «وَ اِنْ لَاطْفَاتِنَ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَفْتَلَتْوَا فَاُصْلِحُوْا بَیْنَهُمَا» و ضرورت مقابله با متجاوز برای واداشتن آن به قانون و حکم خدا استدلال کرده‌است؛ چنان‌که به استناد برخی از روایات توفیق برقرارساختن صلح میان مؤمنان را از نعمت‌هایی دانسته‌است‌که باید برای آن سجده شکر بجا آورد.

از سوی دیگر، در اسلام جهاد برای دفاع از دین و جان و مال و ناموس مسلمانان واجب است. به نظر امام خمینی دفاع ویژه مردان نیست و نیازی به اجازه از امام و حاکم اسلامی ندارد؛ ولی وجوب جهاد برای دعوت به دین (جهاد ابتدایی) که صلح دایمی در پیوند با آن معنا پیدا می‌کند، مورد گفتگوی فقهاست و عموم فقها آن را مشروط به حضور امام معصوم (ع) می‌دانند. امام خمینی با وجود پذیرش این نظر در کتاب فتوایی خود تحریر الوسیله، در کتاب فقهی ابراز تأمل کرده و قابل بررسی دانسته‌است. مستند اصلی قاتلان به جهاد ابتدایی، دستور قرآن به

جهاد برای رفع فتنه است و فتنه نیز در نگاه آنان به معنای شرک است. آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی فتنه را در آیه ۱۹۳ بقره به معنای شرک و آیه ۳۹ انفال به معنای جنگ و قتال معنا می‌کند. با اعتقاد به نظریه مشرووعیت و وجوب جهاد یا مشرکان، صلح دایمی با کفار به‌سبب تعطیل‌شدن مسئله جهاد پذیرفته نیست و قاتلان به وجوب و مشرووعیت جهاد ابتدایی برآند که جهاد همه آیاتی را که دلالت بر صلح و به معنای شرک است. آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی فتنه را در آیه ۱۹۳ بقره به معنای شرک و آیه ۳۹ انفال به معنای جنگ و قتال معنا می‌کند. با اعتقاد به نظریه مشرووعیت و وجوب جهاد یا مشرکان، صلح دایمی با کفار به‌سبب تعطیل‌شدن مسئله جهاد پذیرفته نیست و قاتلان به وجوب و مشرووعیت جهاد ابتدایی برآند که

و مخالف آن را دور افکنند. ایشان بارها تأکید کرده‌است که پیامبران (ع) جنگ و صلحشان برای رضای خدا بوده‌است و صلح یا انسان‌های شرور و مفسدی که در صدد شکست اسلام‌اند، بخلاف قرآن و اسلام و عقل و نظام انسانی است.

رعایت مصلحت

صلح با دشمن، مشروط به داشتنِ منفعت

امام خمینی و مقوله صلح

در نامه‌ای به فرماندهان جنگ، پذیرش قطعنامه را تاکتیکی ندانست و به آنان فرمان داد که به خاک عراق حمله نکنند و بر پایبندی خود به قطعنامه تا زمانی که دشمن به آن پایبند است، تأکید کرد.

آثار و نتایج صلح

هدف اصلی جنگ با کفار و با مسلمانانِ شورش‌ی علیه نظام اسلامی دفع فتنه یا رهایی

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---

مستضعفان از ستم کفار است و مسلمانان با صلح و مصالحه به این هدف نزدیک می‌شوند. امیرالمؤمنین علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر امنیت شهرها و رهایی از دغدغه و آسایش نظامیان را از حکمت‌های صلح شمرده‌است؛ چنان‌که گاهی صلح و برقراری آتش موجب رغبت بیشتر دشمنان به اسلام می‌شود. پیامبر اکرم(ص) در پرتو صلح با مشرکان قریش در سال ششم هجری فرصت یافت رسالت جهانی خود را اعلام و جهانیان را دعوت به اسلام کند و امام‌صادق (ع) صلح پیامبر (ص) با مشرکان قریش در حدیبیه را بزرگ‌ترین برکت برای اسلام شمرده‌است. بیشتر مفسران برآن‌اند سوره فتح که خبر از فتح بزرگ پیامبر (ص) می‌دهد، درباره صلح حدیبیه نازل شده‌است.

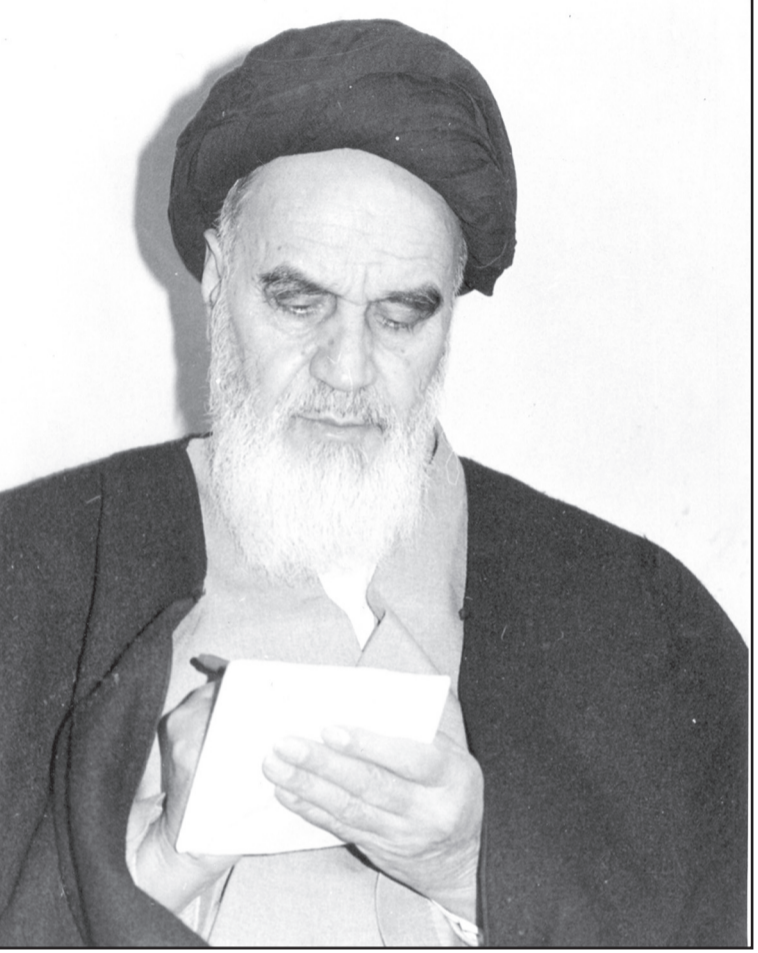
از سوی دیگر، از طریق صلح و سازش، زمینه مناسب برای گرایش به اسلام به وجود می‌آید و غیر مسلمانان می‌توانند در پرتو صلح از نزدیک اسلام را بشناسند و به اسلام گرایش پیدا کنند و مشرکان برای شنیدن سخن خدا و مطالعه درباره اسلام که قرآن آن را تجویز کرده، فرصت مناسب بیابند. امام خمینی زندگی مسالمت‌آمیز، فراهم‌شدن زمینه برای بازسازی و عمران و آبادانی کشور و ایجاد برادری میان ملت‌های مسلمان را از آثار و نتایج صلح شمرده‌است.

صلح جهانی

اسلام دین زندگی مسالمت‌آمیز جهانی است و با جامع‌نگری، خط مشی سیاست داخلی و خارجی را بیان کرده و حکم اصلی آن صلح و زیست مسالمت‌آمیز است. زندگی مسالمت‌آمیز و نیکی‌کردن و عادل‌بودن با کافران غیر معاند که خواهان صلح و سلامت هستند، محبوب خداست. جمهوری اسلامی ایران نیز چنان‌که امام خمینی

می‌داند که پایدار باشد و دشمن از تعدی و تجاوز خودداری کند؛ زیرا صلحی که دشمن بخواهد فرصت به دست بیاورد و از سر ناچاری بپذیرد، صلحی ناپایدار است. بنابراین هر زمان که قدرت پیدا کند، آن را نقض می‌کند و عقل چنین سازشی را نمی‌پذیرد. ایشان بارها به افراد و هیئت‌های اعزامی از سوی سازمان‌های بین‌المللی برای صلح ایران و عراق تأکید می‌کرد در صورتی که

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---



متجاوز حق را بپذیرد، ایشان هم از صلح استقبال می‌کند و آن را می‌پذیرد.

وقای به پیمان

وقای به عهد پس از انعقاد پیمان صلح واجب است و باید به آن عمل کرد. بنابراین تعرض به دشمن پس از امضای قرارداد صلح حرام است و خداوند پیمان‌شکنان را تهدید به مجازات کرده‌است. به نظر امام خمینی آیه «وَأَوْفُوا بِالْعُقُودِ» عام است و هر عقد و پیمانی ازجمله پیمان صلح را دربر می‌گیرد. همچنین «وفا» از نظر زمانی و افرادی نیز نامحدود و مستمر است و همه مسلمانان را دربر می‌گیرد؛ چنان‌که از آیه «وَ اَوْفُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ اِذَا عَاهَدْتُمْ وَ لَا تَنْقُضُوا الْاٰیْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدهَا» که درباره پیمان پیامبر اکرم(ص) با مشرکان نازل شده نیز وجوب وفا به معاهده برداشت می‌شود؛ همچنین خداوند در آیه ۹۰ سوره نساء، مسلمانان را از جنگ با مشرکانی که متقاضی بی‌طرفی در جنگ‌اند، منع کرده و آنان را از پیمان‌شکنی برحذر داشته است. حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) که «مسلمانان به شروط خود وفادارند» نیز دلایل دیگری بر وجوب

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---

*امام خمینی صلحی را مشروع و پسندیده می‌داند که پایدار باشد و دشمن از تعدی و تجاوز خودداری کند، زیرا صلحی که دشمن بخواهد فرصت به دست بیاورد و از سر ناچاری بپذیرد، صلحی ناپایدار است

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---

*امام خمینی بارها بر مشروع نبودن رژیم صهیونیستی تأکید کرده و مسلمانان را به مقابله و مبارزه با آن فراخواند و صلح‌طلبی صهیونیست‌ها را فریب و زمینه‌ای برای تجاوز دانستند

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---

<div><div> </div></div>	سیدعباس رضوی	<div><div> </div></div>
---	---------------------	---

تأکید کرده‌است خواهان زندگی مسالمت‌آمیز با همه کشورهای جهان است؛ بر همین اساس مایل است با همه دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های همجوار و صلح و آرامش زندگی کند. امام خمینی رسیدن به صلح را در گروی چند چیز می‌داند که رعایت و احترام به استقلال ملت‌ها، دخالت نکردن در امور مراعات حفظ تمامیت ارضی کشورها از آن جمله است. همچنین به عقیده ایشان رفع سطله مستکبران بر مستضعفان از دیگر شرایط تحقق صلح در جهان است و تا سلطه‌طلبان در زمین حکومت می‌کنند، مستضعفان به حقوق الهی خود نخواهند رسید. ایشان شعار صلح‌طلبی از سوی قدرت‌های جهانی به‌ویژه سازمان‌های منتسب به حقوق بشر را فریب و دروغ و ابزاری در دست مستکبران شمرده و معتقد است تا دنیا مبتلا به این طرفداران غیر واقعی حقوق بشر است، روی صلح و آرامش را نخواهد دید.

صلح با رژیم عراق

رژیم بعثی عراقی در ۱۳۵۹/۶/۲۶ قرارداد صلح الجزایر را که در سال ۱۳۵۳ش/ ۱۹۷۵م میان ایران و عراق بسته شده بود، لغو و صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق در سخنانی در مجلس ملی عراق آن را پاره کرد و چند روز بعد در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا به ایران حمله کرد و بخش‌هایی از مناطق جنوب و غرب کشور ازجمله چند شهر و تعداد زیادی روستا را به اشغال خود درآورد. تحولات سال اول جنگ با توجه به نبود آمادگی لازم برای مقابله با متجاوزان و بی‌تدبیری سیدابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت ایران به سود عراق پیش‌رفت، با عجز وی از ریاست‌جمهوری ایران در خرداد ۱۳۶۰، شرایط در جبهه‌ها به صورت محسوسی تغییر کرد و نیروهای ایران در چندین عملیات توانستند محاصره آبادان را بشکنند و بسیاری از مناطق اشغال‌شده را آزاد

جمهوری اسلامی

کنند. پس از آغاز جنگ، مجامع بین‌المللی در هیئت‌های صلح بدون توجه به درخواست ایران برای عقب‌نشینی عراق از مناطق اشغالی و معرفی متجاوز و پرداخت غرامت به ایران، تنها به اجرای آتش‌بس تأکید می‌کردند. امام خمینی به هیئت‌های میانجی اعلام کرد ملت ایران به فرمان قرآن از خود دفاع می‌کند و از آنان خواست با حاکم قراردادن قرآن، متجاوز را معرفی کنند و با استناد به قرآن کریم که در صورت عدم بازگشت متجاوز به اطاعت از خدا و عدالت با وی بچنگند؛ زیرا رژیم عراق به ایران تجاوز کرده و نیروهای عراقی هنوز بخش‌هایی از خاک ایران را در اشغال خود دارند. به نظر امام خمینی هیئت‌های میانجی وقتی برای پایان‌دادن به جنگ دست به کار شدند که احساس کردند ادامه جنگ برای آمریکا زیانمند است. ایشان تعیین متجاوز، جبران خسارت‌های وارده به ایران، خروج عراق از خاک ایران و پذیرش جرم و تجاوز در صحنه سیاسی را از شرایط خاتمه جنگ مطرح کرد و یادآور شد صلح با عراق بدون این شرایط، باعث افزایش جسارت متجاوز و گسترش ظلم و فساد در منطقه و موجب هجوم دوباره رژیم عراق خواهد شد.

امام خمینی کسانی را که در داخل بدون توجه به این مسائل صحبت از صلح با صدام حسین می‌کردند، افرادی ضعیف‌القلب یا خیانتکار و دنباطلب و بی‌اعتنا به مصالح اسلام و مسلمانان می‌دانست و صلح با صدام حسین را مانند صلح امام‌علی(ع) و صلح امام‌حسن(ع) با معاویه، که با فشار مقدسان و دیگر گروه‌ها صورت پذیرفت، صلحی تحمیلی می‌دانست و معتقد بود همان‌طور که معاویه به پیمان خود وفا نکرد، صدام نیز به عهد خود وفادار نیست؛ زیرا وی قرارداد صلح میان ایران و عراق را که خودش در الجزایر امضا کرده بود، پاره کرد.

در جریان جنگ تحمیلی و پس از آزادسازی خرمشهر، برخی افراد و احزاب سیاسی مانند نهضت آزادی خواستار پایان جنگ و برقراری آتش‌بس شدند ولی امام خمینی کنار آمدن با کسانی را که هیچ اعتقادی به اسلام و ارزش‌های اخلاقی ندارند، صلح آمریکایی و به معنای حضور آمریکا در ایران دانست، ایشان در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی و هواینپروز در ۱۳۶۲/۶/۱ اعلام کرد کنارزدن صدام با صلح آمریکایی به معنای واردشدن مستشارهای آمریکایی به کشور است و ایران اسلامی اگر می‌خواست تن به صلح آمریکایی بدهد، از اول با آمریکا قطع رابطه نمی‌کرد و جاسوس‌های آنان را از کشور بیرون نمی‌راند. ایشان بعضی از افراد دعوت‌کننده به صلح با آمریکا را که به دروغ ادعای اسلام و ملی‌گرایی و دلسوزی برای کشور می‌کنند و سر تا قدمشان آمریکایی است، از نیروهای رژیم پهلوی دانست و خاطر‌نشان کرد جمهوری اسلامی خواهان صلح اسلامی است که متضمن مجازات متجاوز است. ایشان با اشاره به نظر دنیاگرایان درباره صلح و سازش با ملحنان و ظالمان اعلام کرد اندیشه مادی و ملی‌گرایی، خلود در ارض و فراموش‌کردن مصالح مسلمانان و مخالفت با قرآن و احادیث پیامبران بزرگ و اولیای بزرگوار است.

از سوی دیگر، با توجه به حضور نیروهای دشمن در داخل خاک ایران پیش از تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، هیچ راه حل شرافتمندانه‌ای برای پایان جنگ وجود نداشت؛ ولی پس از صدور قطعنامه در ۱۳۶۲/۵/۲۷، با توجه به افزایش حمایت‌های آمریکا و کشورهای دیگر از رژیم عراق و نیز حملات گسترده شیمیایی، در جلسه‌ای که در ۱۳۶۲/۴/۲۳ با حضور امام خمینی و دست‌اندرکاران جنگ تشکیل شده بود، به ایشان پیشنهاد شد قطعنامه را بپذیرد و ایشان هم برای حفظ مصالح نظام و منافع ملی از نظر خود در مورد ادامه جنگ بازگشت و با صدور پیامی که در آن مقطع به علت وجود مسائل نظامی از رسانه‌ها پخش نشد، خود مسئولیت پایان جنگ را بر عهده گرفت؛ سپس در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ قرارداد آتش‌بس ایران و عراق به امضا رسید. به گفته کارشناسان در قطعنامه ۵۹۸ بیشتر خواسته‌ها و شرایط ایران که مهم‌ترین آنها معرفی کشور متجاوز و آغازگر جنگ بود وجود داشت.

صلح با رژیم اشغالگر قدس

اسرائیل رژیمی جعلی است که به دست یهودیان و با کمک ابرقدرت‌ها به‌ویژه امپریالیسم غرب و با قتل و غارت و تهاجم و تجاوز به مردم فلسطین و بر اساس ایده تصرف نیل تا فرات و خصومت قلبی با اسلام در منطقه تأسیس شده‌است. امام خمینی بارها بر مشروع نبودن رژیم اسرائیل تأکید کرده و مسلمانان را به مقابله و مبارزه با آن فرا خواند. ایشان بر همین اساس قرارداد صلح کمپ دیوید را که در سال ۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۹م به دست محمد انور سادات رئیس‌جمهور مصر و مناخیم بگین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به امضا رسیده بود، قاطعانه محکوم کرد. همچنین در فروردین ۱۳۵۸ با صدور اعلامیه‌ای قرارداد کمپ دیوید را خیانت به اسلام و مسلمانان شمرد و بر مخالفت و مقاومت در برابر آن تأکید کرد. در سال ۱۳۶۱ نیز که اسرائیل پس از حمله به لبنان و کشتن و مجروح‌کردن هزاران تن از مردم و اشغال بخش‌هایی از سرزمین لبنان، تقاضای صلح کرده بود، امام خمینی صلح‌طلبی آنان را فریب و زمینه‌ای برای ادامه تجاوز دانستند.